

دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس

جلسه ۳، روش‌شناسی باستان‌شناسی

جفری هادون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه سوم، روش‌شناسی باستان‌شناسی است.

بسیار خوب، موضوع بعدی ما در واقع روش‌شناسی در باستان‌شناسی است، اما می‌خواهم دوباره به برخی از جنبه‌های مهم اشاره کنم تا نگاه دقیق‌تری به آن بیندازیم.

بباید باستان‌شناسی در عهد جدید را در مقابل باستان‌شناسی در عهد عتیق در نظر بگیریم. ما در واقع اینجا دو موضوع متفاوت داریم، نه فقط از نظر زمانی. اگر به باستان‌شناسی نگاه کنید و باستان‌شناسی را در زمینه عهد عتیق مطالعه کنید، با امپراتوری‌ها، پادشاهان، نبردهای بزرگ، جنبش‌های سلطنتی و بزرگ بین امپراتوری‌ها و پادشاهی‌های منطقه‌ای سروکار دارید و همه اینها داده‌های باستان‌شناسی، تخریب‌ها، برنامه‌های ساختمانی زیادی ایجاد می‌کنند و البته اینها اغلب در کتاب مقدس ذکر شده‌اند.

در عهد جدید، ارتباط برقرار کردن با متن توسط باستان‌شناسی بسیار دشوارتر است، زیرا مسیحیت در ابتدا یک جنبش، یک جنبش معنوی-مذهبی در درون یهودیت بود، و این، شناسایی یافته‌های باستان‌شناسی که مستقیماً با متن مرتبط هستند را دشوار می‌کند. بنابراین، در عهد عتیق، من استدلال می‌کنم که باستان‌شناسی آشکارا در هر دو بخش کتاب مقدس مرتبط است، اما در عهد عتیق بیشتر از عهد جدید مرتبط است. اکنون در مطالعات کتاب مقدس، من دوست دارم در نظر بگیرم، و دیگران نیز همینطور، باستان‌شناسی نوعی انجیل پنجم است.

این به ما یک بررسی خارجی یا یک مکمل خارجی برای کتاب مقدس و سایر اسناد باستانی معاصر می‌دهد. این اطلاعات، بینش و شواهد مادی بیشتری را ارائه می‌دهد که روایت کتاب مقدس را اثبات می‌کند. با بازگشت به عهد عتیق و باستان‌شناسی، این موضوع مرتبط است زیرا منابع تاریخی ما خارج از کتاب مقدس بسیار محدود هستند.

برخی از سوابق مصری، آشوری و بابلی وجود دارد، اما این موارد نیز اندک و دارای شکاف‌های عظیم زیادی هستند، بنابراین باستان‌شناسی به ما کمک می‌کند تا این شکاف‌ها را پر کنیم و دوباره تأییدی بیرونی برای آن سوابق موجود به ما می‌دهد. تعریف باستان‌شناسی خاور نزدیک: ترکیبی از علم فیزیک و تاریخ که تلاش می‌کند شواهدی از گذشته بشریت، چه پیش از تاریخ و چه تاریخی، را از بقایای مادی پیدا کند. بنابراین این تعریف وسیع‌تری از باستان‌شناسی فراتر از باستان‌شناسی کتاب مقدس است.

حالا به سراغ روش‌شناسی می‌رویم. چه چیزی برای کشف باقی مانده است؟ متأسفانه، چیز زیادی نیست. ما گاهی اوقات سعی می‌کنیم توضیح دهیم یا نشان دهیم که باستان‌شناسی مانند یک پازل است، تلاش می‌کنیم پازلی را کنار هم قرار دهیم که ۹۰٪ قطعات آن گم شده است.

با قطعاتی که دارید، سعی می‌کنید تصویری منسجم بسازید و سعی کنید تصمیم بگیرید یا تصور کنید که چه چیزی برای پر کردن جاهای خالی وجود ندارد. چه چیزی برای کشف کردن باقی می‌ماند؟ خوب، اول و مهمتر از همه، سفال. سفال برای باستان‌شناسی بسیار مهم است و ما در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

تقریباً برای همه چیز استفاده می‌شد. باز هم، جهانی بدون پلاستیک را تصور کنید، جایی که فلز بسیار نادر و گران است. چوب نیز کمیاب است و به اندازه‌ای که امروزه از آن استفاده می‌کنیم، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

بنابراین، سفال برای نگهداری، پخت و پز، غذا خوردن و غیره باقی می‌ماند. و بنابراین، سفال، دوباره، در هر نوع ظرف سرامیکی بسیار مهم است. فلز، میخ، سلاح و ابزار

و سپس، البته، پس از قرن هفتم پیش از میلاد، سکه‌ها شروع به ظهور می‌کنند. و در قرن پنجم و چهارم، در دوران پارسی‌ها، سکه‌ها به جنبه‌ای مهم در تاریخ‌گذاری سطوح یا لایه‌ها یا محوطه‌ها تبدیل می‌شوند، زیرا سکه‌ها، باز هم، در کنار سفال، ابزار تاریخ‌گذاری بسیار خوبی هستند. سنگ اغلب دوباره برای سنگ‌زنی، غلتاندن، سنگ‌های فلاخن و غیره استفاده می‌شود.

این موضوع در سرزمین‌های کتاب مقدس نیز رایج است. مواد فاسدشدنی مانند چوب، پوست، چرم و پارچه به ندرت سالم می‌مانند، اما گاهی اوقات هم سالم می‌مانند.

وقتی این کار را می‌کنند، در محیط‌های بسیار منحصر به فرد، خشک و بیابانی مانند طومارهای دریای مرده و قمران است. ما دوست داریم از اصطلاح قمران استفاده کنیم زیرا این یک بقایای بسیار رایج برای توضیح آنچه که برای کشف امروز ما باقی مانده است، می‌باشد. بنابراین، بسیار کم است، اما ما باید آنچه را که پیدا می‌کنیم، بگیریم و بیشترین استفاده را از آن ببریم، بیشترین اطلاعات را از آن جمع کنیم.

تاکنون، مهم‌ترین جنبه در باستان‌شناسی، و ما در ادامه بیشتر در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد کتیبه‌ها هستند. و چرا کتیبه‌ها مهم هستند؟ خب، دوباره، خط، الفبا، جایی در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد پدیدار شد. قبل از آن، تصویرنگاره‌ها و خط میخی

اما نوشتار مهم است زیرا نویسنده باستانی، شخص باستانی، را مستقیماً به خواننده متصل می‌کند، چه معاصر نویسنده باشد و چه معاصر ما. اکنون، نوشته‌ها یا کتیبه‌ها اغلب روی سفال ظاهر می‌شوند و به آنها سفالینه می‌گویند. قبلاً به طور خلاصه یا به صورت مفرد، سفالینه، اشاره کردیم.

اکنون، تعداد زیادی سفال‌سنگ عبری پیدا شده است، نه مقدار بسیار زیاد، اما مقدار قابل توجهی. برخی از مهم‌ترین آنها کتیبه مساد حشاویاها یا سفال‌سنگی است که در قلعه‌ای کوچک درست در امتداد مدیترانه مربوط به اواخر قرن هفتم، یافت شده است. و سپس مجموعه‌ای از سفال‌سنگ‌هایی از قلعه‌ای در آراد، که همانطور که اشاره کردیم، توسط آهارونی در دهه ۱۹۶۰ کاش شده است.

و اینها نوشته شده بودند، آنها گزارش‌هایی بودند، پیام‌های کوتاهی از سوی فرمانده الیاشیب قلعه. و باز هم به ما از حرکات سربازان و جابجایی آذوقه و ترس از حمله ادومی‌ها می‌گفتند. خیلی مهم، نوعی تصویر لحظه‌ای از یک دوره بسیار بسیار بحرانی در تاریخ اسرائیل یا تاریخ یهودا، زمانی که اورشلیم در شرف سقوط به دست بابلی‌ها بود.

پیش از آن، سفالینه‌های لاکیش در دهه ۱۹۳۰ در دروازه، دروازه داخلی شهر بزرگ لاکیش، پیدا شدند. باز هم، در همان بازه زمانی. یهودا در حال سقوط به دست بابلی‌ها است.

و اینها، باز هم، گزارش‌هایی هستند که گاهی اوقات با نیتی ناامیدکننده نوشته شده‌اند و به دنبال اطلاعاتی در مورد شهرهایی هستند که به دست بابلی‌ها افتاده‌اند و شهرهایی که نیفتاده‌اند. و به طرز تکان‌دهنده‌ای، یکی از نامه‌های لاکیش، یا کتیبه‌های لاکیش، بسیار شبیه به ارمیا ۳۴:۷ است، جایی که اشاره می‌کند فقط لاکیش و

حزقیا بدون اینکه به دست بابلی‌ها بیفتند، از اورشلیم دور ماندند. و این، یکی از کتیبه‌هایی که در پاورپوینت پیدا کرده‌ام، متن آن بسیار بسیار با آن مطابقت دارد.

چطور این تاریخ باقی مانده است؟ باز هم، سکه‌هایی برای بقایای بعدی از دوره پارسی به بعد. در مورد سفالگری، در مورد آن صحبت خواهیم کرد. سبک‌های معماری و هنری نیز مانند سفالگری تغییر می‌کنند.

و البته، در چند نسل اخیر، تاریخ‌گذاری با کربن ۱۴ یا کربن ۱۴ برای مواد آلی بسیار مهم است، و همچنین منابع تاریخی خارج از کتاب مقدس که همزمان با متن کتاب مقدس هستند. بنابراین، همه اینها برای تاریخ‌گذاری بقایای باستانی مهم هستند. در نهایت، باستان‌شناسی یک علم مخرب است.

باز هم، شما نمی‌توانید یک محوطه را دو بار حفاری کنید. ما در مورد اهمیت انتشار داده‌ها صحبت کردیم. اگر داده‌ها را منتشر نکنید یا داده‌های حاصل از یک حفاری منتشر نشوند، همه چیز از دست می‌رود زیرا معمولاً نمی‌توانید به عقب برگردید و آنچه را که قبلاً دارید دوباره حفاری کنید.

شاید بتوانید مکان‌هایی را پیدا کنید که آنها برای آزمایش نتیجه‌گیری‌هایشان یا برای درک بهتر محل، حفاری نکرده‌اند. اما مگر اینکه از کاوشگرانی که سوابق آنها را ثبت کرده‌اند، اطلاعاتی داشته باشید، چیزی جز شاید چند مصنوعات نخواهید داشت. و اینها، باز هم، حفاری معمولاً در مربع‌های پنج در پنج متری یا یک ترانشه انجام می‌شود.

و اینگونه است که شما از آن اطلاعات جمع‌آوری می‌کنید. سوءاستفاده از باستان‌شناسی. موارد زیادی از این دست وجود دارد.

و همانطور که از اسلایدهای قبلی خود دیدیم، سفرهای باستان‌شناسی اولیه به سرزمین مقدس چیزی بیش از غارت و چپاول گنج‌جویان نبود. آنها به دنبال مصنوعات، بناهای تاریخی و تزئینات هنری برای موزه‌های خود در اروپا و ایالات متحده بودند. بدتر از آن، اکنون ما افراط‌گرایانی مانند داعش داریم که بسیاری از بقایای موجود در سوریه، کشور سوریه را کاملاً نابود کرده‌اند.

و در ادامه برخی از آنها را خواهیم دید. بسیار بسیار غم‌انگیز است. تدمر، یا شهر بزرگ رومی پالمیرا، کاملاً نابود شد، و همچنین بناهای تاریخی دیگر، از جمله بخش‌هایی از نینوا.

یکی دیگر از سوءاستفاده‌ها از باستان‌شناسی، استفاده از آن برای اهداف ملی‌گرایانه است. اکنون، ما دوباره در اوایل سال‌های اولیه باستان‌شناسی دیدیم که باستان‌شناسی نوعی پوشش برای اطلاعات نظامی بود و زمین را برای حرکات احتمالی نیروها یا حرکت ارتش‌ها بررسی می‌کرد. همچنین، اعتبار ملی در این است که اولین کسی باشید که این را به دست می‌آورید یا آن را کشف می‌کنید یا آنچه را که یافته‌اید به نمایش می‌گذارید و نظریه‌های جدید یا نتیجه‌گیری‌های تاریخی جدیدی ارائه می‌دهید.

بدتر از آن، ادعاهای ناسیونالیستی معاصر یا ادعاهای تاریخی از داده‌هایی است که شما از حفاری به دست می‌آورید. این بسیار سلیقه‌ای است و توسط برخی از باستان‌شناسان اسرائیلی و چندین باستان‌شناس فلسطینی انجام شده است. آنها تمایل دارند جنبه‌های خاصی از سایت را نادیده بگیرند یا از آنها چشم‌پوشی کنند و مناطق و دوره‌های تاریخی دیگر، به ویژه مردمان را بزرگ‌نمایی یا برجسته کنند.

اهداف مذهبی می‌تواند سوءاستفاده از باستان‌شناسی باشد. باز هم، جستجوی تأیید الهیاتی برای دیدگاه‌های الهیاتی و تفسیر الهیاتی یا کتاب مقدسی شما. ما این را «آیزجسیس باستان‌شناسی» (می‌نامیم).

این می‌تواند از هر دو طرف، چه از طرف حداکثرگرایان و چه از طرف حداقلگرایان، مورد سوءاستفاده قرار گیرد. افرادی که، باز هم، معتقدند که کتاب مقدس کلام خداست و دیدگاه والایی نسبت به کتاب مقدس دارند، می‌توانند با بزرگنمایی شواهد، از این موضوع سوءاستفاده کنند. و البته، افرادی که حداقل‌گرا هستند می‌توانند با نادیده گرفتن شواهدی که از کتاب مقدس پشتیبانی می‌کنند، از آن سوءاستفاده کنند.

و، حالا که صحبت از اهداف مینیمالیستی و ایدئولوژیکی شد که با کتاب مقدس در تضاد هستند. و باز هم این یک مسئله رایج در باستان‌شناسی است. و شما باید با نگاهی انتقادی و دقیق بخوانید تا مطمئن شوید که این مطالب در خدمت منافع شخصی کسی نیست.

رشته باستان‌شناسی غرور و خودخواهی زیادی دارد. و این هم درست است. بنابراین، مردم باید از همه اینها به خوبی آگاه باشند.

استفاده صحیح از باستان‌شناسی برای پاسخ به سوالات، برای ارضای نیاز به دانش در مورد گذشته باستان و تمایل عمیق برای مشارکت در پاسخ به برخی از این سوالات، ارائه پیشنهاداتی در مورد اینکه شاید به این روش مدیریت شده یا به این روش انجام شده است. و این برخی از شواهد باستان‌شناسی است که ممکن است از این امر پشتیبانی کند. متعهد بودن به بی‌طرفی در طول فرآیند حفاری، پردازش و انتشار داده‌ها.

یک، فقط یک مثال از آن، یک فصل، من به همراه اندروز در محل حشبون، تل هیسپان مشغول حفاری بودم. و دخترم که داشت خاک حفاری شده را الک می‌کرد، یک مهر زیبا پیدا کرد. و من فکر می‌کردم قدمت مهر خیلی بیشتر از آن چیزی است که هست، اما از این بابت خیلی هیجان‌زده بودم.

اما از طریق مطالعه و بررسی شباهت‌ها، متوجه شدم که آن مربوط به زمانی جدیدتر از آن چیزی است که می‌خواستم. اما با این حال، کشف بسیار مهمی بود. معلوم شد که یک پیکرنگاری آمونیتی مربوط به قرن هفتم است، پیکرنگاری زیبایی از یک بز کوهی و بچه‌اش و نمادهای دیگری روی یک مهر سنگی کوچک با سوراخی که از گردن آویزان شده بود.

به هر حال، بنابراین شما مجبورید، حتی اگر مشتاق باشید و بخواهید چیزی باشد، باید آن را به خاطر آنچه هست مطالعه و منتشر کنید، نه به خاطر آنچه که می‌خواهید باشد. قبل از ایجاد ارتباط کتاب مقدسی با داده‌ها، آنها را به طور کامل جمع‌آوری، ارزیابی و مطالعه کنید. این برای کسانی از ما که رویکردی مبتنی بر ایمان به باستان‌شناسی داریم، دشوار است، اما باید در این مورد مراقب باشید.

در ایجاد ارتباط بین یافته‌های کتاب مقدس عجله نکنید. انجام این کار آسان است. من خودم این کار را انجام داده‌ام.

اما این چیزی است که ما باید دائماً خودمان را بررسی کنیم و بگوییم، خب، این می‌تواند ارتباطی با کتاب مقدس داشته باشد یا نباشد. و سعی کنید با مطالعه و بررسی بیشتر، قبل از اظهار نظر، به درک روشن‌تری برسید. به جای تلاش برای تفسیر یافته‌ها خارج از تخصص خود، از کمک حرفه‌ای استفاده کنید.

اینجا خیلی مهم است. ما اشاره کردیم که باستان‌شناسی جدید، دوباره، می‌خواهد که حفاری‌ها چند رشته‌ای باشند. و بنابراین، به متخصصان نیاز دارید.

اگر در زمینه‌ای متخصص نیستید، قبل از تفسیر یا ثبت نتیجه‌گیری‌هایتان، به شما کمک می‌شود تا درک درستی از آن داشته باشید. در ثبت، جمع‌آوری و ذخیره داده‌ها فوق‌العاده منظم باشید. شگفت‌انگیز است که

یافته‌های باستان‌شناسی چقدر آسان می‌توانند ناپدید شوند، جابجا شوند یا تکنیک‌های ثبت را از دست بدهند؛ چه با داده‌های الکترونیکی کار کنید و چه با مداد و کاغذ، چیزها می‌توانند جابجا و گم شوند.

بسیار منظم باشید و آن را زیر نظر داشته باشید. و سپس محدودیت‌های باستان‌شناسی را به عنوان ابزاری برای مطالعات کتاب مقدس تشخیص دهید. و این امر در درجه اول به ما کمک می‌کند تا جهان کتاب مقدس و مردم آن را درک کنیم.

گاهی اوقات به اثبات و اعتبار بخشیدن به کتاب مقدس کمک می‌کند، و گاهی اوقات در واقع کتاب مقدس را اثبات می‌کند. اما باید بدانیم که محدودیت‌هایی نیز دارد. و نمونه‌هایی از آن را خواهیم دید.

آیا باستان‌شناسی می‌تواند کتاب مقدس را اثبات کند؟ معمولاً، باستان‌شناسی فقط می‌تواند آنچه را که کتاب مقدس بیان می‌کند، پشتیبانی یا تأیید کند. نمونه خوبی از این، برخی از تصاویر نگاره‌هایی است که دانشگاه اندروز در سینا پیدا کرده است که شترهایی را نشان می‌دهد که توسط مردم در دوران پدرسالاری استفاده می‌شدند. خب، آیا این بدان معناست که وجود ابراهیم را اثبات می‌کند؟ نه واقعاً.

اما نشان می‌دهد که شترها در دوران پدرسالاری مورد استفاده قرار می‌گرفتند. برخی از محققان معتقد بودند که این یک اشتباه تاریخی است و در دوران پدرسالاری شتری وجود نداشته است. خب، به نظر می‌رسد این تصاویر در سینا، کتاب مقدس را تأیید می‌کنند.

آیا این ابراهیم را ثابت می‌کند؟ نه، اما نشان می‌دهد که او قطعاً می‌توانسته وجود داشته باشد و مطمئناً، می‌توانسته از شترها استفاده کند. بنابراین اساساً این چیزی است که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم. خب شما می‌خواهید یک مکان را کاوش کنید؟ آیا می‌خواهید در سرزمین مقدس کاوش کنید؟ چه کار می‌کنید؟ من به عنوان یک دانش‌آموز در اسرائیل به یاد دارم، ما چند بازدیدکننده از مدرسه‌مان داشتیم.

مدرسه ما درست در کوه صیون واقع شده بود. هنوز هم آنجاست، کالج دانشگاه اورشلیم. دو آمریکایی، که از لهجه‌ی آمریکایی بسیار واضحشان مشخص بود، دم در ورودی ما حاضر شدند.

آنها دو بیل و یک کلنگ نو داشتند که از ابزارفروشی خریده بودند و می‌خواستند خارج از ملک مؤسسه حفاری کنند. من آنها را کنار کشیدم و گفتم، اول از همه، کاری که شما می‌خواهید انجام دهید غیرقانونی است. باید از اداره آثار باستانی مجوز بگیرید.

شما این کار را نخواهید کرد، و آنها به شما مجوزی نخواهند داد زیرا شما باستان‌شناس حرفه‌ای نیستید. ثانیاً، جایی که می‌خواهید کاوش کنید، یک خاکریز است. و این احتمالاً ۲۰۰۰ سال خاکریز سست دارد که باید قبل از یافتن بقایای لایه‌بندی شده، آن را حفاری کنید.

گفتم، پس روش شما اشتباه است. جایی که سعی در حفاری دارید، ممکن است یک یافته‌ی مجزا پیدا کنید، اما به هیچ سوال تاریخی پاسخ نخواهید داد. ثانیاً، این کار غیرقانونی است.

و بنابراین، آنها نوعی ناله و زاری کردند و فرار کردند. اما بله، این یک چیز عادی است. این یک روند کاملاً پیچیده است.

اول از همه، با فرض اینکه آموزش و تخصص لازم را دارید، یک مکان خاص را برای حفاری انتخاب می‌کنید و معمولاً از خیرین پول جمع‌آوری می‌کنید. گاهی اوقات مدرسه شما کمک می‌کند. شما آن مکان را مطالعه می‌کنید و با دقت به آن نگاه می‌کنید، روی سطح آن قدم می‌زنید، به دنبال هر سرنخی می‌گردید که شاید دروازه

کجا بوده باشد، یا شاید یک نقطه مرتفع که آکروپولیس، اگر وجود داشته باشد، در آن قرار داشته باشد، و آنجا جایی باشد که ممکن است معابد یا کاخ‌های خود را پیدا کنید.

شما به دنبال بقایای سطحی هر نوع معماری هستید. شاید بتوانید خطوط بیرونی دیوارهای خانه‌ها یا هر چیز دیگری را ببینید. و سپس آیا حفاری می‌کنید یا بررسی انجام می‌دهید؟ اکثر پروژه‌های باستان‌شناسی هر دو را انجام می‌دهند.

ما باید درک کنیم که در طول عهد عتیق، اکثر مردم در شهرها و شهرستان‌ها زندگی می‌کردند. در زمان صلح، مزارعی وجود داشت، اما معمولاً آنها در شهرهای محصور یا در شهرها بودند. یک طرح تحقیقاتی

بنابراین، شما باید یک برنامه با دقت تنظیم شده برای کاری که می‌خواهید انجام دهید، سولاتی که دارید و سولاتی که می‌خواهید به آنها پاسخ داده شود، ارائه دهید. و با متخصصان بودجه، تمام جزئیات حفاری شما امکان‌پذیر است.

اداره آثار باستانی فلسطین، IAA، شما باید مجوز خریداری کنید و برای حفاری تأیید شوید. و این در اسرائیل و اداره آثار باستانی اردن خواهد بود. و این برای آن سه منطقه یا کشور است.

مدارس، ASOR و اینها گران هستند. آنها باید هر سال تمدید شوند. همچنین شما معمولاً می‌خواهید با موسسه باستان‌شناسی آمریکا، همکاری داشته باشید تا به شما، AIA آمریکایی تحقیقات خارج از کشور، یا مشروعیت بخشیده شود، احترام نشان داده شود و احتمالاً کمک هزینه دریافت کنید.

از کشور میزبان شما بر پروژه نظارت خواهند کرد. بنابراین، می‌بینید که مسائل DOA و البته، سپس، مقامات زیادی در آن وجود دارد. امور مالی.

باز هم، جمع‌آوری پول از خیرین و داوطلبان. شما باید تبلیغ کنید و برای جذب داوطلبان جهت کار در حفاری خود، انگیزه ایجاد کنید. و اگر این کار را از طریق مدرسه انجام می‌دهید، که بیشتر اوقات همینطور است، اکثر پروژه‌ها از طریق مدارس انجام می‌شوند، دانش‌آموزانی دارید که می‌توانند اعتبار تحصیلی دریافت کنند.

باز هم، استخدام کارکنان. متخصص شما باید استخدام شود. تجهیزات گران هستند و اغلب اوقات بسیاری از تجهیزات باید سالانه تمدید شوند.

و می‌توانید ببینید که تمام آن مسائل لجستیکی پیش می‌آیند. و در نهایت، بررسی‌های محلی و منطقه‌ای وجود دارد. شما باید به محل مورد نظر خود در چارچوب آن نگاه کنید.

و بنابراین شما فقط به سایت خودتان نگاه نمی‌کنید، بلکه باید به منطقه اطراف آن نگاه کنید و مطالعاتی در مورد آن انجام دهید، شاید نظرسنجی‌هایی انجام دهید و سایت خود را در چارچوب یک منطقه بزرگتر بررسی کنید. خیلی خیلی مهم است. بنابراین چیزهای زیادی در این امر دخیل هستند.

خب، فقط برای خلاصه کردن، ما دنبال چه چیزی می‌گردیم؟ پاسخ‌ها. اول از همه، سایتی که در آن کاوش می‌کنید، نام باستانی آن چه بوده است؟ برخی از آنها، باز هم، به دلیل نام عربی باقی مانده‌اند. نام توپولوژی حفظ شده است.

دیگران اینطور نیستند. ما در سه محل کار کرده‌ایم. من در سه محل در اردن کار کرده‌ام.

و دو مورد از این مکان‌ها، نامی به زبان عربی ندارند. تل جلول، که نمی‌توانیم هیچ نام باستانی نزدیک به آن پیدا کنیم. خربت صفراء، که به دلیل معنای صفراء، به وضوح یک نام عربی مدرن است.

باز هم، ما نام سافران را از آنجا می‌گیریم، یک خرابه زرد رنگ. و در محل ما سنگ بستر و سنگ مایل به زرد وجود دارد. بنابراین این به وضوح یک نام مدرن یا نیمه مدرن است.

برخی دیگر نام باستانی خود را حفظ کرده‌اند، مانند تال هیسپان برای حشبون. خب، پس شناسایی مکان دوره‌های سکونت. مکان شما چه زمانی آباد شد؟ چه زمانی اشغال شد؟ آیا در دوره داوران اشغال شد یا دوره سلطنت، دوره پدران مقدس؟ چه زمانی، چه بازه زمانی آنجا بود؟ و چرا متروکه شد؟ آیا عامل انسانی باعث متروکه شدن آن شد، شاید ویرانی؟ آیا شهر سوخته بود، یا قحطی یا کمبود غذا؟ بنابراین، مردم آنجا را ترک کردند.

آیا زلزله بوده است؟ دلیل متروکه شدن یا رها شدن شهر چه بوده است؟ چه کسانی در آنجا زندگی می‌کردند؟ قومیت ساکنان چه بوده است. آیا آنها بنی اسرائیل بودند؟ آیا آنها موآبی، عمونی یا آرامی بودند؟ شناسایی برخی از این گروه‌های مردمی در فرهنگ مادی دشوار است. شاخص‌های خاصی وجود دارد.

بعضی از سفال‌ها مختص به قومیت‌های خاصی هستند. بعضی، بعضی از آثار باستانی، بعضی از یافته‌ها، اما گاهی اوقات این خیلی خیلی دشوار است. باشه.

و اگر تخریب شده، چه کسی این کار را کرده، چه کسی این تخریب را انجام داده است؟ و باز هم، گاهی اوقات می‌توانید سرنخ‌هایی به دست آورید، مثلاً نوک پیکان‌های سکاها در خارج از دیوارهای اورشلیم به وضوح تخریب بابلی‌ها را نشان می‌دهند، زیرا آنها از این نوع نوک پیکان استفاده می‌کردند. اما بیشتر اوقات، مگر اینکه منابع تاریخی داشته باشید، این کار دشوار است. کتیبه‌ها، نوشته‌هایی هستند که روی سنگ، عاج یا سرامیک نوشته شده‌اند، گاهی اوقات روی گچ، پوست یا قطعات چرمی.

همیشه دنبال آنها هستم. می‌خواهم کمی روی کتیبه‌ها وقت بگذارم و نکته دیگری را اینجا ذکر کنم. اگر به مصر سفر کنید، که من همین ماه پیش آنجا بودم، دوباره روی همه چیز، روی دیوارها، روی ستون‌ها، در همه جا، هیروگلیف می‌بینید.

خط هیروگلیف و تصاویر وجود دارد. وقتی به بین‌النهرین می‌روید، دائماً لوح‌های گلی پیدا می‌کنید و انبارهایی از آنها وجود دارد. ما تعداد زیادی، هزاران مورد از اینها را برای خواندن داریم.

اما وقتی به شام، یعنی سوریه، اردن، لبنان، اسرائیل، فلسطین می‌رسیم، تقریباً یک توطئه سکوت وجود دارد. و چرا اینطور است؟ چرا ما کتیبه‌های یادبود زیادی یا صرفاً کتیبه‌هایی از سرزمین مقدس نداریم؟ و باز هم، این به عنوان نوعی توطئه الهی شناخته می‌شود. چرا که نه؟ یک احتمال این است که مردمان آن منطقه از شام ممکن است کتیبه‌هایی، شاید روی گچ، روی دیوارهای سنگی یا آجری گلی، نوشته باشند و آن را با جوهر نوشته باشند.

و آن [بنا] [به سادگی از بین رفت. بنابراین، ما تعداد زیادی سنگ ایستاده، ماسیوت و دیگر بناهای تاریخی داریم که خالی هستند. و آنها کتیبه‌ای ندارند، حکاکی نشده‌اند، هیچ برشی روی سنگ ایجاد نشده است تا چیزی خوانده شود.

ما سفالینه‌هایی داریم که البته جوهری هستند، اما گاهی اوقات روی سفال باقی می‌مانند. چرا که نه، چرا کتیبه‌های یادبود نه؟ خب، شاید به همین دلیل بوده که روی آنها قرار می‌گرفته‌اند؛ روی گچ قرار می‌گرفتند.

روی گچ نوشته می‌شدند و در طول سال‌ها از بین می‌رفتند. حالا، دلیل اینکه این را می‌گوییم این است که در سال ۱۹۶۷ در مکانی به نام تل دیر الله در اردن، که احتمالاً همان مکان سوکوت کتاب مقدس است، هنک فرانکن، باستان‌شناس هلندی، در حال حفاری این مکان بود و کارگزارانش در حال کار در یک پناهگاه و پاکسازی کف آن بودند.

آنها یک دیوار گچ‌کاری شده پیدا کردند که از طریق تخریب حفظ شده بود. روی آن دیوار گچ‌کاری شده متنی بزرگ و طولانی با جوهر نوشته شده بود. متن، خیلی تکه‌تکه بود و کندن آن دیوار و حفظ آن بسیار بسیار دشوار بود، اما آنها این کار را کردند.

و به دلیل آن یافته، آنها توانستند نام بلعام، پسر بعور، را در زمینه‌ای کمی متأخرتر بخوانند، که نشان می‌دهد او یک شخصیت مذهبی در تاریخ آنها بوده است. و باز هم، تا حدودی روایت اعداد ۲۲ تا ۲۴ از پیشگویی‌هایی را که بلعام خطاب به اسرائیل، به نفع اسرائیل و نه علیه اسرائیل، بیان کرده بود، تأیید می‌کند. بنابراین، اینها یافته‌های مهمی هستند، اما باز هم، به نوعی تصادفی بود که آن دیوار گچی در طول قرن‌ها حفظ شده بود، شاید قدمت آن به قرن نهم قبل از میلاد مسیح برسد.

اما چون اینطور بوده، ما یک متن طولانی داریم که از بلعام نام می‌برد. بنابراین این اساساً بهترین توضیح برای این کمبود بسیار بسیار زیاد کتیبه‌های یادبود است. ما فقط قطعات کوچکی داریم، جدا از ستون سنگی میشا و برخی کتیبه‌های دیگر موآبی، خیلی کم.

بنابراین، یک شیء فرهنگی مادی به سادگی هر چیزی است که توسط انسان ساخته، تغییر داده شده، شکل داده شده یا ذخیره شده است. و بنابراین، اینها سه چیزی هستند که ما احتمالاً در آنها جستجو می‌کنیم، نه لزوماً به این ترتیب. من فکر می‌کنم کتیبه‌ها مهمترین هستند، اما پاسخ‌هایی به سؤالاتی که داریم.

و البته، اشیاء فرهنگی که به ما اطلاعات بیشتری در مورد اینکه چه کسانی در آنجا زندگی می‌کردند و چه اتفاقی افتاده است، می‌دهند. بنابراین، با این نقل قول به پایان می‌رسانیم: سنگ‌ها گریه می‌کنند. فقط باید خیلی با دقت گوش دهیم.

بسیار خب. کمی در مورد سفالگری صحبت کردیم. چرا سفالگری اینقدر مهم است؟ من دوست دارم بین سفالگری و ماشین‌ها قیاسی انجام دهم.

و در دهه ۱۹۶۰، یک ماشین فورد بسیار بسیار محبوب به نام موستانگ معرفی شد. و موستانگ در آوریل به بازار آمد و بازار را طوفانی کرد. تا اواسط سال ۱۹۶۶، ۲ میلیون موستانگ در جاده‌های ما بودند ۱۹۶۴.

موستانگ محبوب‌ترین ماشین اسپرت خیلی محبوب بود. هنوز هم تولید می‌شود. حالا، اگر شما یک ماشین‌باز، یا عاشق ماشین باشید، و یک موستانگ ۱۹۶۴، ۱۹۶۵ را در کنار یک موستانگ ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ قرار دهید، هر دو موستانگ هستند، هر دو توسط فورد ساخته شده‌اند.

هر دو دارای گلگیر، چراغ‌های جلو، جلوپنجره، موتور، دیفرانسیل عقب و شباهت‌های زیادی هستند، اما می‌توانید به آن دو ماشین نگاه کنید و فوراً متوجه شوید که یکی مدرن است. یکی در سال ۲۰۲۳ ساخته شده است. دیگری به دلیل سبک طراحی‌اش نزدیک به ۶۰ سال قدمت دارد.

اگر یک گلگیر از یک موستانگ مدل ۶۵ و یک گلگیر از یک موستانگ مدل ۲۰۲۳ را کنار هم قرار دهید، هر دو عملکرد و شکل اولیه یکسانی دارند، اما از روی سبک آنها می‌توانید تشخیص دهید که نسل‌های متفاوتی

هستند. همین امر در مورد سفالگری نیز صدق می‌کند. سفالگری همیشه برای یک عملکرد استفاده می‌شود. نگهداری غذا، آماده‌سازی غذا، سرو غذا و همچنین کاربردهای دیگر.

اما اشکال و سبک‌های سفالگری در طول تاریخ تغییر کرده‌اند. و این به ما، به عنوان باستان‌شناس، سرخ می‌دهد که به دنبال چه چیزی هستیم و چه زمانی ساخته شده است. حال، یک متخصص خوب سرامیک در باستان‌شناسی، مثلاً ویلیام جی. دیور، می‌تواند به یک سفال نگاه کند و در بهترین حالت، شاید ظرف ۵۰ سال از زمان تولید آن به شما بگوید.

و این خیلی خوبه. گاهشماری نسبی خوبی برای سفالگری. به خوبی سکه‌ها نیست، اما خیلی خوبه.

بیشتر اوقات می‌توانیم آن را در عرض یک قرن به دست آوریم. سفال چیزهای زیادی به ما می‌گوید. ضمناً، فقط برای روشن شدن موضوع، خرده سفال‌ها فقط یک تکه سفال شکسته ساده هستند.

اول از همه، سفالگری فناپذیر است. می‌توانید آن را بسوزانید و بشکنید، تکه‌های آن هنوز آنجا خواهند بود. پوسیده نمی‌شوند و خراب نمی‌شوند.

و آنها همه جا هستند. اگر برای بازدید از هر یک از این مکان‌های باستانی به سرزمین مقدس بروید، تقریباً تمام مدت روی سفال‌های شکسته راه خواهید رفت. و می‌توانید ببینید که آنها هنوز آنجا هستند.

آنها هنوز آنجا هستند. بسیار خوب، ما در مورد سبک‌هایی صحبت کردیم، مانند سبک‌های سفالگری، که در طول قرن‌ها تغییر کرده‌اند. این یکی از راه‌هایی است که آنها می‌توانند به ما کمک کنند، و آن قدمت‌گذاری است.

قدمت یک محوطه باستانی، زیرا سفال‌های زمان ابراهیم هیچ شباهتی به سفال‌های زمان مثلاً داوود و سلیمان ندارند. تفاوت زیادی بین آنها وجود دارد. بنابراین، تاریخ.

مورد دوم قومیت است. برخی از اشکال و سبک‌های سفالگری مختص به یک قوم خاص است. و من می‌خواهم این را در اسلایدمان به شما نشان دهم.

مجموعه سفال‌های اینجا از مکان کتاب مقدس شیلوه یا شیلو است. این سفال‌های اولیه اسرائیلی از دوره داوران است. کوزه‌های لبه‌دار، گلدان‌ها، کوزه‌های کوچکتر در اینجا، کاسه‌ها و غیره، دهانه‌ها.

اینجا را نگاه کنید. این سفال معاصر فلسطینیان است. در همان زمان و تاریخ.

باشه، همون تاریخ و نزدیک به همون منطقه. به تفاوت توجه کنید. خیلی ظریف‌تره، لیز و رنگ داره.

طرح‌ها، طرح‌های هنری دارد. و این به ما می‌گوید که این یک فرهنگ متفاوت، مردمی متفاوت است. حالا. گاهی اوقات یک یا دو قطعه سفال فلسطینی در نهایت به مکان‌های باستانی اسرائیلی‌ها می‌رسد و برعکس.

اما اگر چیزی که ما به آن مجموعه می‌گوییم را داشته باشید، مثلاً صدها شکل، صدها ظرف، و شاید دو یا سه تا از آنها فلسطینی باشند، ۹۸٪ اسرائیلی باشند، شما یک مکان اسرائیلی دارید و برعکس. بنابراین، این قومیت را نشان می‌دهد. خوب، این در برخی موارد بسیار بسیار واضح است.

حالا، گاهی اوقات، همه چیز یکدست است. این همان سفالی است که برای افراد مختلف استفاده می‌شود. در عین حال، سفالگرانی دارید که به شهرها و شهرستان‌های مختلف می‌روند.

یک شهر ممکن است متعلق به عمونی‌ها باشد، یک شهر ممکن است متعلق به موآبی‌ها باشد، یک شهر ممکن است متعلق به بنی‌اسرائیل باشد، و همه آنها از سفالگری یکسانی استفاده می‌کنند. اما با ظهور و توسعه پادشاهی‌ها، سفالگری در جهات مختلفی توسعه می‌یابد. و سپس می‌توانید تفاوت‌ها را در قومیت‌ها مشاهده کنید.

سطح رفاه. سفالگری به ما می‌گوید اوضاع چطور است. حالا، به این سفالگری که اسرائیلی است نگاه کنید.

سنگین است، دست و پا گیر است، هیچ نقاشی ندارد، هیچ لغزشی ندارد. با چرخ چرخانده شده، اما کاملاً ابتدایی است. و این به ما می‌گوید که واقعاً زمانی برای ظهور یک طبقه صنعتگر وجود ندارد و می‌دانید، وقت اضافی برای سفالگری صرف نمی‌شود تا آن را زیبا کند، رنگ آمیزی کند، تزئین کند.

کاملاً کاربردی است. برای این است که جسم و روح را در کنار هم نگه دارد و وظیفه‌اش را انجام دهد، برای اینکه غذا یا آب یا هر چیز دیگری را در خود نگه دارد. از طرف دیگر، این سفالگری به سبک فلسطینی-میسینی زیبایی خاصی دارد.

این کار برای یک صنعتگر زحمت زیادی داشت تا آن را رنگ آمیزی و نقاشی کند. اما زیباست. و این به ما می‌گوید که فرهنگ فلسطینیان از نظر اقتصادی و فرهنگی بسیار پیشرفته‌تر از فرهنگ بنی‌اسرائیل در دوره داوران بوده است.

و این، دوباره، به خوبی با متن کتاب مقدس مطابقت دارد. حال، اگر سفال خاصی را در اتاق‌های خاصی از ساختمان‌های خاص پیدا کنید، می‌توانید بفهمید که آنجا چه اتفاقی افتاده است. شاید انبار، انباری یا آشپزخانه یا چیز دیگری بوده است.

آنچه آنجا پیدا می‌کنید معمولاً به شما می‌گوید که آنجا چه اتفاقی افتاده است. و ما فرض می‌کنیم که سفال در جای خود قرار دارد، که تخریب شده یا فرو ریخته است، سقف روی آن فرو ریخته است. و بنابراین، این یک مجموعه تمیز است، به این معنی که جایجا نشده است.

و بنابراین این می‌تواند به شما بگوید. اگر سفال‌هایی از یک کشور خارجی، مثلاً از قبرس یا از شمال سوریه یا از مصر، در این مکان‌ها پیدا شود، چه؟ خب، این به شما می‌گوید که نوعی تجارت در جریان است. ما می‌توانیم آنالیز فعال‌سازی نوترونی را روی سفال انجام دهیم و دقیقاً بدانیم، یا دقیقاً نگوئیم، اما تقریباً می‌دانیم که آن سفال کجا ساخته شده و آن خاک رس از کجا آمده است.

بنابراین، اگرچه ممکن است شبیه به نظر برسد، اما آن خاک رس ممکن است از مکانی بسیار دور ساخته شده باشد. و باز هم، این به شما می‌گوید که نوعی تجارت وجود دارد. بنابراین، سفالگری، باز هم، اطلاعات زیادی در مورد این جنبه‌هایی که باستان‌شناسان به آنها نگاه می‌کنند و سعی در یافتن پاسخ برای آنها دارند، به ما می‌دهد.

این عکس در بالا سمت راست، متعلق به شماسست، که مشرف به یک انبار بزرگ سفال است که ما در سال ۲۰۰۹ در مکانی در اردن، تل جلول، سایت دانشگاه اندروز کشف کردیم. و همه اینها تقریباً به قرن هشتم قبل از میلاد، زمان اشعیا، برمی‌گردد. اتاقی بود پر از سفال، تکه‌های شکسته سفال.

یک گنجینه‌ی خیلی خیلی بزرگ که می‌بینید روی میز گذاشته شده. خب، ابزار کار و اینها بعضی از چیزهایی هستند که ما در باستان‌شناسی استفاده می‌کنیم.

یک تئودولیت، که دیگر زیاد برای اندازه‌گیری سطوح استفاده نمی‌شود. حالا از چیزی که در بالا سمت راست استفاده می‌کنیم که از ماهواره برای دادن ارتفاع و موقعیت دقیق سطح خاصی که GPS است، یعنی می‌خواهیم اندازه‌گیری کنیم، استفاده می‌کند. باز هم، این مهم است زیرا شما با مربع‌های مختلف و قسمت‌های مختلف سایت سر و کار دارید و می‌توانید رابطه بین سطوح و دیوارها و هر چیز دیگری را بین نقاطی از سایت خود که شاید از هم دور باشند، بررسی کنید.

و اینها به شما اطلاعات دقیقی از ارتفاعات می‌دهند و دقیقاً می‌دانند که این دیوارها در مقایسه با بقیه کجا هستند. خب. غربال کردن صفحات نمایش در اینجا، پایین سمت راست.

ما یک خانم جوان داریم که خاک را ال‌ک می‌کند، و صفحات ال‌ک کردن به شما کمک می‌کنند تا اقلام کوچکی، مانند مهر، مهره، مصنوعات کوچک، ابزار یا هر چیز کوچکی که به راحتی از دست می‌رود را پیدا کنید. بنابراین ما سعی می‌کنیم تمام خاک خود را ال‌ک کنیم. و به همین دلیل، کلی چیزهای خوب پیدا می‌کنیم، چون کلمه بهتری پیدا نمی‌کنم.

یکی از چیزهایی که ما نداریم، گویا است. ما اینجا در آمریکای شمالی چنین چیزی نداریم. این یک لاستیک قدیمی و استفاده مجدد شده خودرو است که چند دسته روی آن پیچ یا منگنه شده است.

و آنها برای حمل خاک و حمل خاک خوب عمل می‌کنند. و آنها بسیار مقاوم در برابر تخریب هستند. اگر از هم جدا شوند، می‌توانید آنها را دوباره بسازید.

در خاورمیانه بسیار محبوب است. یک ماله، مانند آنچه که بناها استفاده می‌کنند، تقریباً برای انجام کارهای دقیق در اطراف آثار باستانی یا تأسیسات ضروری است. اگر با کارهای بسیار ظریف سر و کار دارید، یک بیلچه کوچک و یک برس.

و باز هم، خلال دندان و سایر خلال‌های دندانی برای تمیز کردن اشیاء بسیار ظریف نیز استفاده می‌شوند. بنابراین این فقط مروری کوتاه بر برخی از ابزارها و وسایلی است که ما استفاده می‌کنیم. دو نوع روش برای حفاری یک سایت وجود دارد و ما قبلاً به آنها اشاره کرده‌ایم، اما اکنون جزئیات بیشتری را بررسی خواهیم کرد.

روش مربعی. دوباره، ما مربع‌های پنج در پنج متری داریم. در واقع شش در شش است، اما شما دور هر مربع حاشیه دارید.

و چرا این مرزها را رها می‌کنیم؟ چرا کل آن را پاک نمی‌کنیم؟ خب، ما این مرزهای ایستاده یا توده‌ها، همانطور که به آنها گفته می‌شود، را رها می‌کنیم تا به حفاری خود بعد عمودی بدهیم. به عبارت دیگر، اگر حفاری کنیم، می‌توانیم ببینیم، چیزی شبیه به یک کیک لایه‌ای، وقتی تکه‌ای از یک کیک لایه‌ای را برش می‌دهید شاید بتوانید یک یا دو فاز را در آن دیوار خاکی ببینید، و شاید آن را از دست داده باشیم. شاید آنجا یک کف وجود داشته باشد، و ما کف را حفر کرده‌ایم، اما می‌توانید آن را در توده عمودی ببینید.

بنابراین، این نوعی دستگاه کنترل است تا ما را در حفاری مان صادق نگه دارد. و البته، شما این چهار مربع نمایان را دارید، و می‌توانید ببینید چه چیزی روی زمین است، سنگ بستر آنجا، چه دیوارها باشد یا کف یا هر چیز دیگری که به ذهنتان می‌رسد. اما باز هم، جاهایی وجود دارد که به آن دسترسی ندارید.

حالا، اگر چیز جالبی پیدا کردید، می‌توانید بعد از حفاری هر دو مربع، یک بخش عمده را هم بردارید و آن را به یک منطقه بزرگ و در معرض دید تبدیل کنید. خب، این روش خیلی خیلی محبوب است. راه دیگر حفر ترانشه است.

این تصویری از برج معروف نوسنگی در اریحا، یکی از سنگرهای کنیون است. بسیار بزرگ. و این یکی دیگر از تصاویری است که ما در اردن، مکانی به نام تل العمیری، گرفتیم.

و آن نوعی خندق بود که از میان سیستم‌های دفاعی در امتداد شیب بالا می‌رفت، و آنها می‌توانند قدمت تمام دیوارهای دفاعی مختلف این مکان را تعیین کنند. در اینجا، دوباره، بخشی از آن از آن مکان مهم در اردن مرکزی را مشاهده می‌کنید. باستان‌شناسان عاشق لایه‌های تخریب و بدبختی مردم هستند.

وقتی یک مکان به شدت تخریب می‌شود، سقف‌ها فرو می‌ریزند یا آتش می‌گیرند، همه چیز مانند یک کپسول زمان است زیرا همه چیز دقیقاً همانطور است که مردم آن را ترک کرده‌اند، شاید فقط چند دقیقه قبل. و بنابراین، ما از میان آوار و لایه سوختگی و شاید سقف فروریخته کاوش می‌کنیم و یک یا چند مکان به زیبایی مهر و موم شده داریم، مناطقی که منحصر به فرد و عجیب هستند. و اینها دست نخورده هستند.

و بنابراین، ما واقعاً می‌توانیم داده‌های زیادی از این جایگاه‌های مهر و موم شده به دست آوریم. و این چیزی است که باستان‌شناسان از آن قدردانی می‌کنند، حتی اگر در آن زمان در دوران باستان، یک فاجعه بود. ما از اصطلاح «میگوید» زیاد استفاده کرده‌ایم، و این دو نمونه از «میگوید»های باستانی است.

باز هم، تل‌ها تپه‌های مصنوعی هستند و معنی‌شان هم همین است. این کلمه هم در عربی و هم در عبری به همین معنی است. اما در واقع شهرهای باستانی هستند که در طول قرن‌ها ویران، بازسازی، ویران و بازسازی شده‌اند. حالا به تفاوت بین این دو تل توجه کنید.

این بیت شان در دره هیروود است که رو به غرب قرار دارد. ببینید چقدر بلند است. شهرهای بسیار زیادی روی هم قرار گرفته‌اند، یکی روی دیگری، طبق تخمین کاوشگران، تا 30 شهر، احتمالاً طی هزاران سال.

تل پایین خیلی پایین‌تر است، و شاید فقط سه یا شاید چهار لایه داشته باشد. آن تل بشرشبع است، آن بشرشبع کتاب مقدس، بیت شان کتاب مقدس. و در واقع، ظاهراً آن مکان در دوره داوران تأسیس شده و شاید در اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن هفتم پیش از میلاد، یعنی فقط چند صد سال پیش، تخریب شده باشد.

اما حتی در آن زمان، شواهدی از شهرسازی در داخل وجود دارد، مغازه‌ها، انبارهای بزرگ، و یک سیستم آبرسانی در اینجا وجود دارد که می‌توانید از طریق قنات به آن دسترسی پیدا کنید و بدون نیاز به خروج از شهر، آب تهیه کنید. بنابراین، این شهر بسیار خوب برنامه‌ریزی و ساخته شده است. این دروازه، دروازه داخلی است و در دوران سلطنت، شهری متعلق به پادشاهی یهودا بوده است.

اما باز هم، پایین‌تر، چون به اندازه بیت شان دوام نیاورد. اینجا بخشی از یک داستان است، و دوباره، باید به یک کیک لایه‌ای فکر کنید، و تمام نمونه‌های مختلف شهری را که روی شهر دیگری لایه لایه قرار گرفته است، و غیره و غیره را ببینید. حالا گیج‌کننده و پیچیده می‌شود، زیرا شاید یک شهر، آنها یک آب‌انبار بسازند یا از یک طبقه قبلی عبور کنند، یا شاید یک طبقه پاک‌سازی شده و دیگر حتی وجود نداشته باشد، آنها آن طبقه را کاملاً پاک‌سازی کرده و چیز دیگری ساخته‌اند.

بنابراین، تل‌ها می‌توانند بسیار پیچیده باشند، چینه‌شناسی می‌تواند بسیار پیچیده باشد، بنابراین باید با دقت زیادی حفاری کنید، و باز هم، آن بخش عمودی اگر بتوانید آن را در حجم خود، در منطقه خود بین

میدان‌هایتان، حفظ کنید، چیزهای زیادی به شما خواهد گفت. من عاشق این دو تصویر هستم، زیرا شهرهای روی تل هنوز وجود دارند، و این دو مثال است. اربیل در عراق، نمونه‌ای زیبا از یک شهر باستانی

اینجا می‌توانید تل، شیشه‌های تیز و لبه شیب‌دار تل، دیوارها و شهر درون آن را ببینید. و این یک شهر فعال است که یک شهر باستانی به سبک عهد عتیق در عراق است. شهر دیگری، حلب، قلعه حلب در سوریه، نیز همین وضعیت را دارد؛ شما یک تل محصور با دروازه دارید، درست مانند آنچه در عهد عتیق دیده می‌شود.

بنابراین، حداقل در آن دو مورد، آنها هنوز هم وجود دارند. خب، مثال دیگر علاوه بر تل، کربه است. کربه در عربی به معنای ویرانه است.

این صرفاً مکانی است که در ظاهر خیلی عمیق نیست؛ لایه‌بندی آن بسیار کم‌عمق است و کلمه عبری برای آن هوروات یا هوروا است، با همان معنی. و اینها شهرها یا شهرستان‌ها یا مکان‌هایی هستند، شاید یک مزرعه، هر چه که باشد، یک قلعه، که فقط برای مدت کوتاهی وجود داشته، و متروکه شده‌اند، و به سادگی در طول قرن‌ها دوام نیاورده‌اند تا انباشتگی و سطوح و لایه‌بندی پیچیده‌ای ایجاد کنند. این مکانی است که ما در اردن در آن حفاری می‌کنیم و خربت صفرا نام دارد.

این یک نقشه از بالا است، و این عکس هوایی واقعی است. و می‌توانید ببینید، شاید از طریق تصویر اینجا سخت باشد، اما می‌توانید خط دیوار را ببینید. می‌توانید ردیف خانه‌ها را اینجا در امتداد دیوار ببینید.

چیزهای زیادی را می‌توانید درست روی سطح ببینید. می‌توانید خطوط و ویژگی‌های دیوار، ویژگی‌های معماری را ببینید که در طول قرن‌ها باقی مانده‌اند. خب، این یک کشف نادر است زیرا این شهری از دوره داوران است احتمالاً. احتمالاً در دوره سلطنت اولیه، زمان داوود، متروکه یا رها شده بود، و ما نمی‌دانیم چرا.

ما فکر می‌کنیم که حدود ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد تأسیس شده است، اما واقعاً دیگر هرگز مسکونی نشد، بنابراین، شما شاهد حضور مردمان بعدی که به اینجا آمده‌اند، پاکسازی محل و ساخت چیز دیگری نیستید به جز یک منطقه در دوره بیزانس، که یک خانه مزرعه‌ای بود که ما در این طرف صندوق پیدا کردیم. و بنابراین، این یک شهر بکر از دوره داوران است که احتمالاً تا زمان سلطنت داوود وجود داشته است.

و بنابراین در اثر اشغال بعدی آلوده یا نابود نشده است. و این بسیار نادر است. بنابراین، ما از این بابت بسیار هیجان‌زده‌ایم.

و ما همچنین چیزهای بسیار هیجان‌انگیزی در رابطه با آن گاه‌شماری، که به عنوان ستون فقرات تاریخ شناخته می‌شود، یافته‌ایم. من امروز از دانشگاه اندروز صحبت می‌کنم، و دانشگاه اندروز یک محقق عهد عتیق بسیار مشهور به نام ادوین آر. تیل داشت. می‌توانید تاریخ‌های او را آنجا ببینید.

او در واقع اینجا در برین اسپرینگز دفن شده است. اما او یک محقق عهد عتیق بود که در دانشگاه شیکاگو آموزش دیده بود. و او اشتیاق زیادی به تلاش برای حل مسائل مربوط به گاه‌شماری کتاب مقدس، به ویژه گاه‌شماری پادشاهان اسرائیل و یهودا داشت.

و فقط با نگاه کردن به متن، تاریخ‌ها با هم مطابقت نداشتند. و بسیاری از مردم فکر می‌کردند، خب، شاید در متن تحریفی وجود داشته است. شاید افرادی بودند که بعداً متن را تغییر دادند، و بعداً، کپی‌کنندگان متن کاری انجام دادند.

اما تیله به عقب برگشت و فهمید که آنها از دو تقویم مختلف، پادشاهی اسرائیل و پادشاهی یهودا، و یک سیستم سال الحاق متفاوت استفاده می‌کردند. وقتی او کارش را تمام کرد، آنها به زیبایی با هم هماهنگ بودند. من از محققان اسرائیلی و محققان سکولار شنیده‌ام که می‌گویند لزوماً دیدگاه خیلی بالایی نسبت به کتاب مقدس ندارند، اما می‌گویند که نمی‌توانید با تیله بحث کنید.

و، و بنابراین، تیله سهم بسیار مهمی در گاهشماری کتاب مقدس و تاریخ‌گذاری پادشاهان مختلف اسرائیل و یهودا بر اساس سیستم گاهشماری خود داشت. و البته، این در کتاب او، اعداد اسرارآمیز پادشاهان عبری منتشر شده است که یکی از اساتید اسرائیلی من به من گفت، شما باید ویرایش دوم را تهیه کنید، نه سوم، نه اول.

چاپ سوم: ظاهراً او با آن ور رفته و واقعاً آن را ساخته، اما به خوبی آن نشده. اما این کار مهمی است و برای قرار دادن مطالب در جای درست و به ترتیب زمانی مهم است. باشه.

خب، جدول زمانی. این دوره‌ای است که بیشتر باستان‌شناسان در آن کار می‌کنند. ما اینجا عصر نوسنگی یا عصر حجر جدید را از قلم انداخته‌ایم.

عصر مس و سنگ، عصر مس و سنگ، حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد آغاز شد و پس از آن عصر برنز اولیه آغاز شد. پایان عصر برنز اولیه احتمالاً دوره ابراهیم است. عصر برنز میانی، به طور کلی، تقریباً دوره پدران است.

دوره II دوره اسکان است. عصر آهن I عصر برنز متأخر، دوره ظلم و ستم و خروج از مصر. عصر آهن سلطنت، داوود، سلیمان و پادشاهان پس از آنها است.

سقوط اورشلیم، یک دوره زمانی کوتاه است که برخی از محققان آن را دوره بابلی می‌نامند، اما پس از آن دوره پارسی در سال ۵۳۹ پیش از میلاد آغاز شد و تا سال ۳۳۳ پیش از میلاد و ورود هلنیسم در زمان اسکندر ادامه یافت. و سپس، البته، در سال ۶۳ پیش از میلاد به پایان می‌رسد، زمانی که پمپئی اورشلیم را فتح می‌کند، که آغاز دوره رومی است، که باید بگویم به دوره بیزانس در زمان سلطنت کنستانتین پایان می‌یابد یا به آن منتقل می‌شود. و این تا سقوط امپراتوری بیزانس به دست اسلام در قرن هفتم میلادی ادامه دارد.

بنابراین این تقریباً دوره‌های زمانی است که باستان‌شناسانی که در سرزمین مقدس کار می‌کنند، که در باستان‌شناسی کتاب مقدس کار می‌کنند، با آن سروکار دارند. اکنون، کتاب پیدایش از اصطلاح عبری تولدوت یا تاریخ‌ها یا شجره‌نامه‌ها، از جمله جدول ملت‌ها در پیدایش ۱۰، برای خلاصه کردن یا برجسته کردن مناطق یا دوره‌ها به جای دوره‌های طولانی از آدم تا طوفان نوح استفاده می‌کند. بنابراین، این دوره یا زمان بحث در مورد قدمت زمین نیست، اما باید درک کنیم که من معتقدم که اینها خلاصه شده‌اند.

ما فهرست‌های شجره‌نامه‌ی دیگری در کتاب مقدس داریم که به وضوح نشان می‌دهند برخی مختصر و برخی کامل هستند. بنابراین، این فهرست‌ها می‌توانستند خیلی بیشتر، شاید حتی ده‌ها هزار سال، دوام بیاورند، نه آن سال قبل از میلاد معروف که توسط اسقف آشر پیشنهاد شده است. بسیار خوب، اسلاید آخر در ۴۰۰۴ این مجموعه این است که من از این با دانش‌آموزانم استفاده می‌کنم تا نشان دهم باستان‌شناسی چیست و باستان‌شناسان سعی در انجام چه کاری دارند.

تصویر اینجا مربوط به یک سازه چوبی مربوط به اواخر قرن نوزدهم است، یک سازه چوبی دست‌ساز که قبلاً یک کلیسای کوچک بوده است. این سازه امروزه در محوطه دانشگاه بتل، میشواکا، ایندیانا وجود دارد. به آن کلیسای یادبود تیلور می‌گویند.

با این حال، در ابتدا در یونیون، میشیگان، که فاصله زیادی با آنجا داشت، ساخته و نصب شد. و در حالت‌های مختلف خرابی، آنجا ماند تا اینکه، فکر می‌کنم، دهه ۱۹۸۰ بودجه‌ای جمع‌آوری شد؛ این بنا برای فرقه کلیسای مبلغان مذهبی اهمیت خاصی دارد. آنها این کلیسا را از هم جدا کردند و آن را به میشاواکا منتقل کردند، پایه‌های سیمانی و کف سیمانی زیر آن گذاشتند، آن را سیم‌کشی کردند، پنجره‌های مدرن در آن قرار دادند، البته برق، و با استفاده از مواد جدید برای پر کردن شکاف‌های بین تکه‌های چوب، لایه‌های چوب، آن را دوباره ساختند.

و امروز این یک مکان تاریخی است. حالا، به عنوان تمرین، به این فکر کنید که اگر به گذشته برگردیم، شاید سال دیگر، کلیسای یادبود تیلور ویران شده است. و شاید هنوز پابرجا باشد، شاید فرو ریخته باشد، اما ۵۰۰ چیزی آنجا هست، به اندازه کافی برای باستان‌شناسان که بیابند.

و باستان‌شناسان، برای شروع بحث، منابع تاریخی ندارند که به آنها بگویند این چیست یا چرا آنجا بوده است. بنابراین این برای باستان‌شناسان مشکل ایجاد می‌کند زیرا باستان‌شناسان در آن زمان به نحوه ساخت این کلیسا، سبک، چوب و نوع چوب آن نگاه می‌کردند و تشخیص می‌دادند که احتمالاً مربوط به قرن ۱۸ یا ۱۹ میلادی است. این مربوط به قرن ۱۹ یا اواخر قرن بیستم نیست، به هیچ وجه.

بنابراین، سبک مصالح ساختمانی مربوط به قرن نوزدهم است. با این حال، کف، پایه و بقایای سیستم برق موجود در آن مربوط به اواخر قرن بیستم است. بنابراین، آنها باید بفهمند، باید تفسیر کنند که چه اتفاقی اینجا افتاده است.

و تنها کاری که احتمالاً بدون منابع تاریخی می‌توانند انجام دهند این است که حدس بزنند این بنا بازسازی، نوسازی و مدرنیزه شده است، یک ساختمان قدیمی که مدرنیزه شده و آنجا قرار داده شده و سپس دوباره سرهم شده است. بنابراین، آنها باید بفهمند که در اواخر قرن بیستم چه اتفاقی افتاده است. حالا، آیا می‌توانند تاریخ دقیق‌تری برای آن پیدا کنند؟ خب، شاید بتوانند، چون اگر کف سیمانی را باز کنند یا بشکنند، ممکن است بطری‌های پلاستیکی نوشابه یا زبانه‌های کششی یا، یا اشیاء، شاید یک پوشش سلفون یا، می‌دانید چیزی که خراب نمی‌شود، از بین نمی‌رود، پیدا کنند که می‌تواند به آن تاریخ اواخر قرن بیستم بدهد، شاید ظرف یک دهه به دلیل آنچه می‌بینند.

و خب، و سکه‌ها، البته، شاید کارگر بتن‌ریزی یک سکه بیست و پنج سنتی یا یک پنی یا هر چیز دیگری را انداخته باشد، و این می‌تواند به ما تاریخ بدهد. چون اگر مثلاً یک سکه بیست و پنج سنتی داشته باشید، و زیر یک کف پیدا شود، و آن سکه بیست و پنج سنتی مثلاً سال ۱۹۸۲ تاریخ داشته باشد، خب، آن کف باید بعد از سال ۱۹۸۲ گذاشته شده باشد چون پلمپ شده است، آن سکه در آن کف پلمپ شده است نمی‌تواند، سکه نمی‌تواند بعد از کف باشد. و بنابراین، آن کف، دوباره، تاریخ‌گذاری شده یا بعد از سال ۱۹۸۲ ریخته شده است.

باستان‌شناسان دوباره این موضوع را در مکان‌های باستانی نیز بررسی می‌کنند. بنابراین این موضوع در آینده برای باستان‌شناسان چالش‌برانگیز خواهد بود. مگر اینکه منابع تاریخی داشته باشند که دقیقاً چه اتفاقی افتاده است، احتمالاً هرگز نخواهند فهمید که این شیء از یونیون، میشیگان آمده است. آنها ممکن است به دلیل نقشه طبقه حدس بزنند که یک کلیسای کوچک است زیرا هیچ اتاق داخلی وجود ندارد؛ فقط یک اتاق بزرگ، سالن اجتماعات یا شاید یک مدرسه است.

شاید بتوانند حدس بزنند که هدف از ساخت این بنا چه بوده، اما نه چیز دیگری. این یک چالش خواهد بود بنابراین این کاری است که باستان‌شناسان انجام می‌دهند و برخی از سوالاتی که باید هنگام کار میدانی به آنها پاسخ دهند.

.خیلی ممنونم

من دکتر جفری هادون هستم و در حال تدریس باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه سوم، روش‌شناسی باستان‌شناسی است.